



وضعیت اصل و نسب زنان ایرانی دربار ساسانی براساس منابع مصور و مکتوب تاریخی

میترا میربخش^۱ ID، میرزامحمد حسنی^۲ ID، جواد هروی^۳ ID

^۱ دانشجوی دکتری تاریخ ایران قبل از اسلام، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. m.mirbakhsh@gmail.com
^۲ (نویسنده مسئول) استادیار گروه تاریخ، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران. mohamadhassani68@yahoo.com
^۳ استادیار گروه تاریخ، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. javad.heravi@srbiau.ac.ir

چکیده

بررسی تاریخ اجتماعی ادوار طولانی از تاریخ ایران نشان می‌دهد مسئله اصل و نسب یکی از دغدغه‌های مهم سیاسی و اجتماعی بوه است که ارتباط نزدیکی با مشروعیت داشت. ساسانیان بیش از چهار سده بر قلمرو وسیعی از ایران و انیران حکم راندند و شاهنشاهی به وجود آوردند که دغدغه پاک‌ی خون و اصالت نسب داشت. این اهمیت علاوه بر نژاده بودن تبار پدر، برای تبار مادر نیز مطرح بوده است؛ چنانچه از نظر حفظ پاک‌ی خون و نسب، توصیه به خویدوده یا ازدواج با محارم می‌کردند. به نظر می‌رسد در سلسله ساسانی، پادشاهان همسران ایرانی و انیرانی اختیار می‌کردند که از آن‌ها هم در منابع مکتوب و هم در آثار تاریخی مربوط به زمان ساسانیان مانند کتیبه کعبه زردشت نام برده شده است. مسئله‌ای که در اینجا مطرح است، چگونگی تأثیر این رویکرد بر وضعیت زنان و اصل و نسب آن‌ها در دوره ساسانی است. این پژوهش با هدف بررسی اصالت نژادی و نسب زنان ایرانی بر پایه منابع مکتوب و مصور تاریخی انجام گرفته است. روش این پژوهش تحلیلی-توصیفی و با تکیه بر داده‌های کتابخانه‌ای می‌باشد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد، در این دوران همسران پادشاهان ساسانی بیشتر از خاندان‌های بزرگ اشکانی انتخاب می‌شدند و می‌توان گفت در سلسله ساسانی، حداقل در بدو تأسیس، از عنوان خانوادگی این زنان، به واقع یا به صورت تبلیغی برای مشروعیت بخشیدن به پادشاهی استفاده می‌شد. علاوه بر این موارد به چند نمونه ازدواج خویدوده نیز می‌توان اشاره نمود.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی اصل و نسب زنان دربار ساسانی براساس منابع مکتوب و مصور تاریخی.
۲. بررسی نقش ازدواج در مناسبات قدرت در دوره ساسانی.

سؤالات پژوهش:

۱. مسئله اصل و نسب زنان در دوره ساسانی چه تأثیر در مناسبات سیاسی داشت؟
۲. آیا شواهدی از ازدواج خویدوده در منابع مکتوب و مصور تاریخی می‌توان یافت؟

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۴۰

دوره ۱۷

صفحه ۳۱۴ الی ۳۳۲

تاریخ ارسال مقاله: ۱۳۹۹/۰۳/۱۲

تاریخ داوری: ۱۳۹۹/۰۶/۲۰

تاریخ صدور پذیرش: ۱۳۹۹/۰۱/۱۲

تاریخ انتشار: ۱۳۹۹/۱۲/۰۱

کلمات کلیدی

ساسانیان،

زنان درباری،

اصل و نسب،

خویدوده،

منابع مکتوب و مصور تاریخی.

ارجاع به این مقاله

میربخش، میترا، حسنی، میرزامحمد، هروی، جواد. (۱۳۹۹). وضعیت اصل و نسب زنان ایرانی دربار ساسانی براساس منابع مکتوب و مصور تاریخی. هنر اسلامی، ۱۷ (۴۰)، ۳۱۴-۳۳۲.



[dori.net/dor/20.1001.1.1735708.1399.17.40.18.8/](https://doi.org/10.22034/IAS.2021.259917.1452)



[dx.doi.org/10.22034/IAS.2021.259917.1452/](https://dx.doi.org/10.22034/IAS.2021.259917.1452)

مقدمه

جامعه دوره ساسانی از نظر وضعیت اجتماعی و طبقاتی دارای ویژگی‌های منحصر به فردی بود. مهم‌ترین این شاخصه پایبندی به شرایط طبقاتی و نژادی بود. در دوران ساسانی خاندان‌های بزرگ کارن، سورن، اسپاهبذ، مهران، اسپندیاد و زیک در کنار خاندان ساسانی وجود داشتند؛ ولی در این بین خاندان ساسانی بود که به سبب نژاده بودن حق پادشاهی داشت. در واقع ساسانیان می‌کوشیدند تحت پوشش نظام طبقاتی جامعه ساسانی و با تکیه بر پاکی خون و اصالت نسب و جلوگیری از پخش شدن مالکیت به دست بی‌تخمگان، قدرت را در خاندان ساسانی و مالکیت را در خاندان‌های بزرگ حفظ کنند. توصیه‌های نامه تنسر خود گواه این مطلب است. لذا پادشاهان ساسانی همواره در مسئله ازدواج برحفظ این نژادگی و جلوگیری از آلودن تبار خود می‌کوشیدند. چنان‌چه حتی به خویدوده و ازدواج با محارم نیز اقدام می‌کردند. پادشاهان ساسانی از کشورهای همسایه نیز زن می‌گرفتند و تعداد زیادی زنان انیرانی نیز در حرمسرای شاهان ساسانی وجود داشت. بنابر شواهد موجود مسئله نژادگی و اصل و نسب زنان دربار ساسانی حتی در کشمکش‌های میان شاهزادگان در رسیدن به قدرت نیز دخیل بوده است؛ نمونه آن را در مسئله جانشینی شاپور اول (۲۷۰/۲۷۲-۲۳۹م) می‌توان دید.

با توجه به اهمیت موضوع، این پژوهش بر آن است با بررسی وضعیت اصل و نسب ملکه‌های ایرانی ساسانی مشخص کند پادشاهان ساسانی بیشتر با چه خاندان‌هایی وصلت می‌کردند و اهداف سیاسی این ازدواج‌ها و نتایج مورد انتظار از آن‌ها چه بوده است. برای این امر از منابع مکتوب و مصور تاریخ ساسانی استفاده شده است؛ درباره منابع اسلامی-ایرانی از سده اول و دوم هجری کتابی باقی نمانده است و از سده سوم هجری هم منابع محدودی در دست داریم، لذا منابع این پژوهش اغلب مربوط به قرن ۴ به بعد می‌شود و تا قرن ۱۰ هجری را در بر می‌گیرد.

درخصوص پیشینه پژوهش حاضر باید گفت تاکنون اثر مستقلی به این عنوان به رشته تحریر در نیامده است. با این حال، مقالاتی درباره زنان دوره ساسانی نوشته شده است. مقاله‌ای با عنوان «زنان غیر زردشتی در دربار ساسانی و تأثیر آن‌ها بر سیاست‌های مرتبط با اقلیت‌های دینی در ایران» توسط میترا میربخش و همکاران (۱۳۹۹) به رشته تحریر در آمده است. در این مقاله نویسندگان به چگونگی ملکه شدن زنان غیر زردشتی در دربار ساسانی و میزان نفوذ آن‌ها در امور سیاسی پرداخته‌اند و در این اثر اشاره‌ای به اهمیت مسئله نژاده بودن در خصوص زنان دربار ساسانی نشده است. در پژوهشی دیگر با عنوان «زنان در سکه‌های ساسانی» به قلم نسرین سادات شجاعی و عفت سادات افضل طوسی (۱۳۹۵)، به رشته تحریر در آمده است. در این اثر با تکیه بر سکه‌های بر جای مانده از این دوره به واکاوی زنان و پوشش آن‌ها پرداخته شده است. در انجام این تحقیق از روش استقرائی (جزء به کل) استفاده شده و شیوه نگارش و تدوین مطالب به صورت تحلیلی-توصیفی است. همچنین منابع و مطالب مورد استناد و استفاده در این پژوهش به صورت کتابخانه‌ای و آرشیوی گردآوری شده است.

1. زنان ایرانی دربار ساسانی

در دوره ساسانی، زنان ایرانی در دربار ساسانی از جایگاه والایی برخوردار بودند. در بین این زنان مادر شاه و ملکه دارای اهمیت و اعتبار بیشتری بودند. این جایگاه سبب شد تا در برخی لشکرکشی‌های شاهان ساسانی زنان حضور پر رنگی داشته باشند. همچنین در مناسبت‌های رسمی دربار شرکت می‌کردند (برسونیوس، ۱۳۹۲: ۲۲۶). با توجه به نقش برجسته‌هایی که وجود دارد می‌توان گفت این زنان در مراسم شکار، باده‌گساری و بزم‌ها در کنار مردان شرکت می‌کردند. حتی دو تن از زنان دربار در سده ۷ میلادی به پادشاهی نیز رسیدند. ملکه بوران و ملکه آذرمدخت (۶۳۱-۶۳۰ ق) به این مقام رسیدند. حضور در محافل سیاسی گویای پذیرش نسبی مقام و موقعیت زنان درباری در ساختار سیاسی-اجتماعی در دوره ساسانی است (جمالی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۴۴).

اهمیت و ارزش زنان در دربار ساسانی را می‌توان تا حدی از رویکرد شاهان این سلسله تشخیص داد. شاپور اول (۲۷۱-۲۳۹ ق) بر طبق کتیبه کعبه زردشت به نام دخترش آناهید آتش روشن کرده و از او با عنوان شهبانوان شهبانو یاد کرده است (عریان، ۱۳۹۳: ۷۲). ذکر نام بانوان در کتیبه کعبه زردشت نه بر مبنای رابطه نسبی آنان با شاپور اول بلکه براساس مقام اجتماعی آنان بوده است و سخن شاپور به این معنی است که دخترش آذرناهد از نظر مقام اجتماعی برتر از دیگر بانوان است و ملکه ملکه‌هاست. بنا بر نظر ویسپوهر، این عناوین را نمی‌توان دلیلی بر پیوند خویدوده دانست چراکه مدرک معتبر و کافی در این زمینه وجود ندارد (حسنی، ۱۳۹۳: ۷۴؛ ویسپوهر، ۱۳۹۰: ۲۱۹).

درباره القاب زنان در دربار ساسانی باید گفت که همسر شاه یا مادر ولیعه به «شهبانوی شاهنشاهی» و یکی از دختران شاه را هم «شهبانوی شهبانوان» می‌خواندند. در منابع برای دینگ دختر پاپک و خواهر اردشیر اول، آذرآناهید دختر شاپور اول، شاپوردختک همسر بهرام دوم و احتمالاً دختر شاپور میشان‌شاه، عنوان «شهبانوی شهبانوان» (*bāmbišnān bāmbišn*) قید شده است (بروسیوس، ۱۳۹۲، ۲۲۴). لقب شهبانوی شهبانوان در میان منابع پارتیان بر سکه‌های فرهاد پنجم (۲ ق.م تا ۲م) با تصویری از مادر یا همسرش ملکه موزا نیز دیده می‌شود. همسران پسران شاه و فرمانروایان شهرها نیز لقب «شهبانو» یا «بانو» داشتند (لوکونین، ۱۳۹۳: ۲/۳ ۱۰۸). به استناد کتیبه کعبه زرتشت، دینگ شهبانوی میشان [صاحب] دستگرد شاپور (همسر شاپور میشان‌شاه پسر شاپور اول) که نامش در فهرست درباریان شاپور اول با رتبه ممتاز سوم آمده عنوان شهبانو را به خود اختصاص داده است (نصراله‌زاده، ۱۳۸۴: ۱۲۰). زنان درباری عناوین دیگری نیز به خود اختصاص داده بودند، از جمله ریاست حرم شاهی که در دوره شاپور یکم بر عهده همسر بزرگ شاه بود و «بانوی بانوان» نامیده می‌شد (لوکونین، ۱۳۶۵: ۱۰۸). شاهان ساسانی با زنان غیر ایرانی و گاهی اسیران جنگی نیز ازدواج می‌نمودند؛ ولی آنان به رتبه زنان اصلی شاه در نمی‌آمدند (بروسیوس، ۱۳۹۲: ۲۲۵). تصاویر آن‌ها بر روی جواهرات، انگشترها و تعدادی از ظروف نقره‌ای و سکه‌ها نمایان است. در کتیبه‌های شاهان و اسناد اداری نام و رتبه رسمی برخی از آن‌ها ذکر شده است. با توجه به اطلاعات موجود می‌توان گفت فارغ از متون مذهبی که قوانینی را در خصوص زنان در این دوره یادآور شده‌اند. دیگر منابع برجای مانده از این دوره غالباً روایت‌گر حیات اجتماعی و سیاسی زنان طبقات بالای جامعه است.

۲. آثار مکتوب و مصور تاریخی

از آثار مکتوب دوره ساسانی باید به منابعی چون اخبار الطوال دینوری، تاریخ طبری، ترجمه تاریخ طبری از بلعمی، شاهنامه فردوسی، مجمل‌التواریخ و الفصص اشاره کرد. این منابع غالباً در قرون نخستین هجری به رشته تحریر در آمده‌اند و با توجه به نزدیکی از نظر زمانی به دوره ساسانی اطلاعات مفیدی از این دوره تاریخی ارائه می‌دهند. با این حال بیشتر منابعی که اطلاعات دقیقی از دوره ساسانی ارائه می‌دهند، منابعی چون آثار باستانی، نقش برجسته‌ها و مهرها هستند که از آن‌ها با عنوان منابع مصور یاد می‌شود.

منابع مصور دوره ساسانی، در حقیقت همان آثار هنری هستند که از این دوره بر جای مانده‌اند. پادشاهان ساسانی از زمان نخستین پادشاه، علاقه زیادی به کتیبه‌نگاری و تصویرگری وقایع دوره خود داشتند و این سنت از دوره اردشیر بابکان موسس این سلسله تا آخرین شاهان این سلسله ادامه داشت و همین امر سبب شده است تا امروزه آثار مصور تاریخی متعددی از این دوره بر جای مانده باشد. بخشی از این منابع مصور به مضامینی با موضوع زنان در دوره ساسانی اختصاص یافته است. در هنر ساسانی نقش زن در قالب شخصیت ملکه ظاهر می‌شود. شیوه‌های تصویرسازی آن نیز به نوعی تقلید از شیوه‌هایی است که در تصویرسازی نقش شاهان ساسانی متداول بوده است. بدین معنی که هنرمند، چهره زنان درباری را مانند شاه و درباریان ساسانی تصویر کرده است. هرتسفلد می‌گوید اگر گیسوان بافته شده این زنان نبود، نمی‌شد آن‌ها را از مردان تفکیک کرد. او به کنایه می‌گوید گردن کلفت زنان بر نقوش ساسانی مانند گردن گشتی‌گیران حرفه‌ای آلمانی است (هرتسفلد، ۱۳۸۱: ۲۲۱). این ویژگی می‌تواند به علت تسری دادن عنصر احترام و بزرگی به زنان و تصاویر آن‌ها بر آثار هنری باشد. بنابراین باید گفت در منابع مصور دوره ساسانی به مضامینی متعدد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی پرداخته شده است..

سنت نمایش شاه به همراه همسرش روی نقش برجسته‌های صخره‌ای ایران از زمان نخستین شاه ساسانی، اردشیر اول (۲۲۴-۲۴۰ م) آغاز شد و به صورت موضوعی مقبول در هنر ساسانی درآمد (دیمز، ۱۳۸۸: ۹۷)؛ چنان‌که در نقش برجسته‌های «برمدلک»، «تنگ‌قندیل» و «سرمشهد» بهرام دوم (۲۷۶-۲۹۳ م) همراه همسرش در حالت‌های مختلف تصویر شده‌اند (حسنی، ۱۳۹۳: ۷۳). یکی از منابعی که در واکاوی تاریخ عهد ساسانی مؤثر است، مهرهایی است که از این دوره بر جای مانده است. در این منابع به سلسله مراتب درباری و القاب و عناوین نیز پرداخته شده است. مهرها یکی از با ارزش‌ترین آثار باقی‌مانده از جوامع پیش از تاریخ و تاریخی فلات ایران به شمار می‌آیند. بررسی و مطالعه روشمند این آثار، باستان‌شناسان و مورخان را قادر می‌سازد تا جنبه‌های مادی و معنوی فرهنگ‌های جوامع کهن را هرچه بیشتر واکاوی نمایند (طلایی، ۱۳۹۳: ۱). علاوه بر نقش خود مهرها، گاه اثر مهرهای یک دوره که بر جای مانده در ردیابی نکات سیاسی و اجتماعی و اقتصادی مهم است. اثر مهرها به مجموعه‌ای از قطعات و اشیای گلی گفته می‌شود که بر روی آن‌ها مهر زده می‌شد. به کمک مهرها و اثر مهرهای برجای مانده از گذشته می‌توان درباره وضع فرهنگی و اجتماعی و حتی روحی و اخلاقی گذشتگان اطلاع کسب کرد. مهرها و سنگ‌های قیمتی منابع پر باری برای

شناخت هنر ساسانی به شمار می‌روند. با توجه به اینکه به‌طور کلی T در هنر ایران نقش‌مایه زن از کثرت چندانی برخوردار نیست، مطالعه مهرها می‌تواند در روشن نمودن وضعیت زنان سودمند باشد (همان، ۷).

3. اصل و نسب زنان ایرانی دربار ساسانی براساس آثار مکتوب و مصور تاریخی

3.1. ازدواج با خاندان بازرنگی

خاندان بازرنگی یکی از نخستین خاندان‌هایی است که ساسانیان از میان آن‌ها زنان خود را برگزیدند. بنیان‌گذار حکومت ساسانی اردشیر بابکان با زنی از خاندان بازرنگی ازدواج کرد. آنچنان که طبری آورده اردشیر در یکی از دهکده‌های اصطخر به نام طیورده متولد شد؛ جدش ساسان مردی دلیر و جنگاور بود و زن وی از نژاد گروهی از شاهان فارس بود که آن‌ها را بازرنگیان می‌گفتند. همسر او «رامبهشت» نام داشت (طبری، ۱۳۵۲: ۱۴۱). برخی از محققان معتقد است، در اصل مأخذی که روایت طبری با واسطه یا مستقیم بدان بر می‌گردد، همسر ساسان، بامبشن بوده است یعنی «ملکه»، که ناسخی به «بامبشت» تصحیح کرده و نام خاص پنداشته بوده است (شکی، ۱۹۹۱: ۴۰۶؛ شهبازی، ۱۳۸۹: ۲۳۴). هویسه نیز بر آن است رام بهشت صورت درهم ریخته برای واژه «بامبشن» است. هنینگ هم رامبهشت را قرائت غلطی می‌داند که طبری کرده است (نصراله زاده، ۱۳۸۴: ۱۲۱ و ۱۲۲). بلعمی هم این زن را رامبهشت معرفی می‌کند که از نسل بازرنجیان ملوک فارس بوده است (بلعمی، ۱۳۵۳: ۸۲). ابن اثیر و ابن خلدون نیز به تبارشاهی او اشاره کرده‌اند (ابن خلدون، ۱۳۸۳: ۱۸۶؛ ابن اثیر، ۱۳۸۳: ۴۴۳). اما نامی که برای همسر ساسان و مادر بابک در کتیبه کعبه زردشت آمده است «دینگ» است. لوکونین معتقد است دودمان نوین شاهان ساسانی تا مدتی دراز نسب غیر مشهور خود را با شجره‌سازی افسانه‌ای بنام پیشینیان بزرگ پنهان نمی‌کردند. روایت‌های تاریخی حاکی از آن است که بابک فرمانروایی را با زور به چنگ آورد ولی کتیبه شاپور در کعبه زرتشت به‌طور غیر مستقیم به علت آمدن نام خورانزم ملکه شهر در فهرست نام دودمان‌های ساسانی در مقام پنجم و پس از نام ساسان به ما امکان می‌دهد، بیندازیم که بدست آوردن حاکمیت پارس باید از راه مسالمت‌آمیز صورت گرفته باشد (لوکونین، ۱۳۹۳: ۵۰). با ذکر این مسئله که تفاوت‌های جزئی در ثبت نام همسر اردشیر در منابع موجود است، اکثریت منابع بر وجود چنین همسری از خاندان بازرنگی تاکید دارند.

تورج دریایی نیز معتقد است از آنجا که اردشیر بعد از رسیدن به قدرت تبار خود را به هر آنکه می‌توانسته از ایزدان و پادشاهان و اشراف نسبت داده، این خود گواه آن است که از هیچ کدام نبوده است (دریایی، ۱۳۹۲: ۲۱). اگر وجود خاندان بازرنگی و تعلق همسر ساسان به آن را درست بدانیم، آن‌گاه باید گفت شاید این نخستین تلاش سلسله ساسانی برای مشروعیت بخشیدن به خود از طریق وصلت با خاندان شاهان محلی پارس بوده است. همسر ساسان در تاریخ بلعمی تصحیح محمدجواد مشکور «مشهب» معرفی شده است (بلعمی، ۱۳۳۷: ۸۲). توجیه این ازدواج، تکوین و شکل‌دهی به مشروعیت تمام و کمال سیاسی از سوی اردشیر ساسانی بود. تصویر شماره ۱، تصویر دینگ بر سکه‌ای از دوره ساسانی را به نمایش گذاشته است.



تصویر شماره ۱: مهری از دینگ از زنان دربار ساسانی. موزه لوور پاریس.

۳.۲. ازدواج با زنان خاندان اشکانی

مادر شاپور اول ساسانی یکی از زنان خاندان اشکان بود. در اغلب منابع مکتوب ایرانی - اسلامی، نسب مادر شاپور را از درباریان اشکانی توصیف‌اند؛ چنانچه تاریخ طبری او را دختر اردوان معرفی می‌کند (طبری، ۱۳۵۲: ۱۴۵-۱۴۷). در کارنامه اردشیر بابکان نیز مادر شاپور «زیانه» (هدایت، ۲۵۳۷: ۱۸۹) «زنک» (فره وشی: ۱۳۸۶: ۹۵) «زن» (مشکور، ۱۳۲۹: ۳۶) دختر اردوان معرفی می‌شود که به درخواست برادران قصد زهر دادن به اردشیر را داشته است و اردشیر که از نیت او آگاه می‌شود فرمان کشتن او را به موبدان موبد می‌دهد. اما موبدان موبد به دلیل بارداری زن او را نمی‌کشد و نزد خود نگاه می‌دارد تا شاپور هفت ساله می‌شود و سپس اردشیر را از وجود شاپور آگاه می‌کند (هدایت، ۲۵۳۷: ۱۹۰-۱۸۷). به گفته کریستن سن، اردشیر دختر یا دختر عموی اردوان یا برادرزاده فرخان پسر اردوان را به نکاح خویش درآورد اما او آنچه مورخان عرب و ایرانی درباب این ازدواج نقل کرده‌اند را افسانه می‌داند و معتقد است که اردشیر می‌خواست به وسیله وصلت با خانواده اشکانی، اساس دولت خود را استوار کند. اما در واقع قبل از اینکه اردشیر به تخت نشیند، شاپور به حد بلوغ رسیده بود و این مطلب از یکی از روایات نخستین طبری مستفاد می‌شود که می‌گوید شاپور در نبرد هرمزگان شرکت جست. سلسله این روایت ظاهراً به کتاب خودای نامگ می‌رسد، در صورتی که روایت عروسی اردشیر با یکی از بانوان اشکانی و تولد شاپور از او، که در ضمن نوشته‌های طبری دیده می‌شود، برگرفته از یکی از افسانه‌های عامیانه است (کریستن سن، ۱۳۸۵: ۶۰ و ۶۱).

شهبازی معتقد است با اینکه اشکانی بودن شاپور، مبنی بر زاده شدن او از دختر اردوان اصلاً اعتباری ندارد، احتمال اینکه وی از سوی مادر از یکی از خاندان‌های اشکانی بوده باشد، خیلی بعید نیست. در میان یاران بابک، خاندان بیژن را هم می‌یابیم که خیلی به اشکانی می‌برد. البته نام مادر شاپور به صراحت در کتیبه خود او «بانومرود» آمده است و جای تأمل در این افسانه نمی‌گذارد و نام مادر شاپور را هم تنها صورتی از زنک امروز می‌داند که ریشه‌ای ندارد

(شهبازی، ۱۳۸۹: ۲۹۵). نصرالله زاده هم معتقد است که چنین روایات حماسی اعتباری ندارند (نصراله زاده، ۱۳۸۴: ۱۴۰). از طرفی دیگر، داستان ازدواج اردشیر با دختر اردوان و تولد شاپور از او مانند داستان کوروش (۵۳۰-۵۵۸ ق.م) است که در آن اژدهاک به وزیر خود هارپاگ دستور می‌دهد، کوروش پسر ماندانا دختر او را ببرد و بکشد ولی هارپاک کوروش را به چوپانی به نام مهرداد می‌سپارد و مهرداد نیز او را نکشته و بزرگ می‌کند؛ که این می‌تواند نشانه اطلاع ساسانیان از تاریخ کوروش و روایات مربوط به او باشد (میرسعیدی، ۱۳۷۹: ۴۲۲). با این همه می‌توان گفت این روایت‌ها احتمالاً تلاش‌هایی بوده که بعدها در حکومت ساسانی برای نسب‌سازی و مشروعیت‌بخشی سرسلسگان انجام شده و در خداینامه‌ها درج شده است و از طرف دیگر نشان‌دهنده اهمیت نژاده بودن و خون مادر در نظام طبقاتی ساسانی است.

مادر هرمز اول نیز منسوب به خاندان اشکانی است. او را دختر مهرک‌شاه معرفی کرده‌اند: «مادر هرمز بن شاپور از دختران مهرک پادشاه بود که اردشیر وی را بکشت و فرزندان او را از دم تیغ بگذرانید چرا که اخترشناسان به وی گفته بودند که از نژاد وی پادشاهی روی کار خواهد آمد. مادر او به بیابان گریخت و نزد یکی از شبانان ماندگار شد. شاپور به شکار رفت و در پی آن سخت تشنه شد و چادرهایی که مادر هرمز در آن بود دید. آهنگ آن کرد و آب خواست و دختر به او آب داد و شاپور زیبایی خیره‌کننده‌ای دید. پس نژاد دختر را جو یا شد وی یکی از شبانان گفت دختر من است. شاپور او را به همسری خود درآورد و به خانه برد. خواست با وی درآمیزد که دختر گفت که دختر مهرک است و چنین می‌کند مبادا از اردشیر به شاپور گزندی رسد. شاپور با او هم پیمان شد که راز او را پوشیده بدارد و با او همبستر شد و هرمز را برای وی بزاد» (ابن اثیر، ۱۳۸۴: ۴۵۱ و ۴۵۲).

مهرک پسر نوشزاد پادشاه اشکانی تبار کوره اردشیر خوره بوده است که پیشتر «گور» نام داشته است (شهبازی، ۱۳۸۹: ۲۵۳). حمزه اصفهانی تنها مورخی است که از «کردزاد» به عنوان همسر شاپور نام برده است. وی در شرح هرمز پسر شاپور آورده است که مادر او کردزاد بود که به نام وی داستانی مشهور است (حمزه اصفهانی، ۱۳۴۶: ۴۷). مورخان معاصر چندان توجهی به روایت حمزه نکرده‌اند و آن را چندان تاریخی نمی‌دانند. ماریک وهنینگ معتقدند شاید نام او صورتی از خورانییم باشد. هنینگ بر آن است که خورانییم محتملاً مادر هرمز اول باید باشد، از این رو حدس می‌زند که عنوان شهر بامبشن خورانییم بایستی به صورت کردزاد دگرگون شده باشد (نصراله‌زاده، ۱۳۸۴: ۱۵۹ و ۱۶۰). نولدکه آورده است کرد در کردزاد به معنی مردم دور از فرهنگ استعمال شده است (نولدکه، ۱۳۵۸: ۶۲). در جدول شماره ۱ و ۲ روایت‌های منابع مختلف درباره شاپور اول و مهرک، بررسی شده است.

ردیف	نام نویسنده	عنوان اثر	قرن تالیف	صفحه	نسب زن	نجات دهنده زن	گناه زن
۱		کارنامه اردشیر بابکان		۱۹۰- ۱۸۷	دختر اردوان	موبدان موبد	زهر دادن به اردشیر
۲	محمد بن جریر طبری	تاریخ طبری	۳	۱۴۷- ۱۴۵	دختر اردوان	پیری	از نسل اشک بودن
۳	دینوری	اخبار الطوال	۳	۷۰ و ۶۹	دختر برادر فرخان	ابرسام وزیر اردشیر	انتساب به نسل فرخان
۴	بلعمی	ترجمه تاریخ طبری	۴ و ۳	۹۰ و ۸۹	دختری از نسل اشکانیان	وزیر بزرگ هرچند بن سام	از نسل اشکانیان بودن
۵	فردوسی	شاهنامه	۵ و ۴	۸۷۷- ۸۷۵	دختر اردوان	موبد	دادن جام زهر به اردشیر
۶		مجموعه التواریخ والفصص	۶	۲۹	دختر اردوان	وزیر	دختر اردوان بودن
۷	ابن اثیر	تاریخ کامل	۷ و ۶	۴۴۹- ۴۴۷	دخت اشک	هرجد بن اسام	از خاندان اشکانیان بودن
۸	ابن خلدون	العبر	۷	۱۸۸	اشکانیان / اردوان	یکی از مرزبانان	نسب اشکانی او
۹	حمدالله مستوفی	تاریخ گزیده	۸ و ۷	۱۰۳	دختر اردوان	وزیر	زهر دادن به اردشیر
۱۰	داود بناکتی	تاریخ بناکتی	۸	۵۰	دختر اردوان		زهر دادن به اردشیر

جدول ۱- نتایج بررسی روایت‌های مربوط به مادر شاپور اول در منابع مکتوب.

شهبازی معتقد است که اگر داستان زادن هرمز از دختر مهرک نوشزاد حقیقتی داشته باشد، می‌توان وی را نتیجه وصلت خاندان ساسانی با خاندان اشکانی مهران (که مهرک از آن بوده) دانست و این شاید یکی از دلایل ارتقای این پسر سوم شاپور به جانشینی او بوده است (هنینگ، ۱۳۸۴: ۳۰۷). با توجه به اختلافاتی که بر سر جانشینی فرزندان شاپور اول پیش آمد و هر یک از پسران او، خود را به‌نحوی در جانشینی پس از شاپور شایسته می‌دانسته‌اند می‌توان اختلافات را بر محق دانستن خود بر اساس نژاده بودن و موقعیت مادر در دربار دانست. چراکه این تفاوت‌ها را در ترتیب آمدن نام‌ها و افروخته شدن آتش برای فرزندان شاپور در کتیبه کعبه زردشت نیز می‌بینیم. اکثر مورخان هرمز اول را فرزند خورانزیم می‌دانند و از آنجا که وی در میان زنان دربار بالاترین لقب را در کتیبه کعبه زردشت دارد شاید بتوان جانشینی هرمز را پس از شاپور بدین ترتیب توجیه کرد. در جدول شماره ۲ نظریات موجود در منابع مکتوب درباره مادر هرمز ساسانی آمده است.

جدول ۲- نتایج بررسی وضعیت نسب مادر هرمز اول در منابع مکتوب. (نگارنده).

ردیف	نویسنده	عنوان اثر	قرن تالیف	نام و نسب زن	صفحه
۱		کارنامه اردشیربابکان		دخترمهرگ نوشزادان	۶۶-۶۲
۲	محمدبن جریرطبری	تاریخ طبری	۳	دخترمهرک شاه	۱۵۰ و ۱۴۹
۳	بلعمی	ترجمه تاریخ طبری	۴ و ۳	دخترمهرک	۹۷ و ۹۶
۴	حمزه اصفهانی	سنی الملوک الارض والانبیا	۴ و ۳	کردزاد	۴۷
۵	فردوسی	شاهنامه	۵ و ۴	دخترمهرک نوش زاد	۸۸۲-۸۷۹
۶		مجمل اتواریخ والقصص	۶	دخترمهرک نوش زاد-کردزاده	۵۲ و ۲۹
۷	ابن اثیر	تاریخ کامل	۷ و ۶	دخترمهرک	۴۵۱ و ۴۵۰
۸	خواندمیر	حبیب السیر	۱۰ و ۹	دخترمهرک	۲۲۶

مادر شاپور دوم ساسانی نیز منسوب به خاندان اشکانی است. به روایت مراجع ایرانی و عربی شاهپور دوم تنها فرزند هرمز دوم (۳۰۲-۳۰۹ م) بود و پس از مرگ پدر به دنیا آمده است، اما برخی از تاریخ‌نویسان رومی و بیزانسی از سه پسر دیگر هرمز نیز سخن می‌گویند: پسر بزرگ آذرنرسه که پس از مرگ پدرش به شاهی نشست، اما بزرگان دربار او را به ستمگری متهم ساختند و پس از زمانی کوتاه او را کشتند. پسر دیگر که همچو پدر هرمز نام داشت، به دست درباریان به بند کشیده شد، اما گریخت و به یاری پادشاه ارمنستان خود را به روم رساند و بعدها در جنگ‌های کنستانتیوس و جولیانوس با شاهپور دوم فعالانه شرکت داشت پسر سوم هرمز دوم که نام او مشخص نیست، توسط بزرگان دربار هرمز دوم کور شد و بدین ترتیب از حق جانشینی محروم گردید (آذرنوش، ۱۳۷۴: ۳۷ و ۳۸). مادر شاپور غیر از مادر آذرنرسی و هرمزد و پسر سومی بود و شهبانوی مملکت به شمار می‌رفت. پنج داستان تلمودی حاکی از آن است که مادر شاپور دوم افر- هرمزد نام داشت و خاخام‌های یهودی را بسیار محترم می‌شمرد و برای آنان قدرت‌های مافوق بشری قائل بود و برایشان انواع پیشکش‌ها می‌فرستاد. تاریخ نسطوری (نویزتر) روایتی دارد که به موجب آن پدر مادر شاپور یهودی بود

و شمعون پسر سبعه او را مسیحی کرد. برخی از این داستان‌های تلمودی احتمالاً تا حدی واقعی اندونام مادر شاپور دوم به گمان ما فرایه-اهرمزد (Farāya-Ohrmazd) «دوست داشته هرمزد» معنی می‌دهد است. به گفته مالالا «ماگنوس حرانی که بسیار دانشمند بود و شاپور [دوم] را سابور ارسکیوس خوانده است» از اینجا باید نتیجه گرفت که نام اصلی شاپور چیزی شبیه «شاپور ارشک» یعنی «شاپور از خاندان ارشک» بوده است و این را به هیچ وجه دیگری نمی‌توان توجیه کرد مگر اینکه بپذیریم که شاپور از سوی مادر از خاندان اشکانی بوده است و شاید بتوان این موضوع را که پادشاهی شاپور نام از مادری اشکانی زاده شده با داستان شاپور پسر اردشیر و دختر اردوان مربوط دانست (شهبازی، ۱۳۸۹: ۳۶۶ و ۳۶۷). نولدکه از قدرت و نفوذ زیاد ایفرا هرمز بر پسر خود حتی در دوره رشد او سخن گفته است (نولدکه، ۱۳۵۸: ۱۲۸). تلمود ایفرا هرمز را به عنوان ملکه‌ای که علاقه زیادی به یهودیت دارد نشان می‌دهد. چون شاپور دوم در طفولیت به تخت شاهی رسید، مادرش ایفرا به رتق و فتق امور می‌پرداخت و از این راه با یهودیان و رسوم آنها آشنائی یافته، آنان را محترم می‌شمرد (نتصر، ۱۳۵۱: ۱۸). آنچه از این روایات بر می‌آید، ایفرا هرمزد ملکه قدرتمندی از خاندان اشکانی بوده است که بعید نیست با اعمال نفوذ او شاپور از میان مدعیان سلطنت به قدرت رسیده باشد و در دوران کودکی شاپور به همراه بزرگان و درباریان زمام امور را در دست داشته است و روابط خوب او با یهودیان از خلال متون تلمود بابلی مشهود است و چه بسا حمایت‌های مادی و معنوی جامعه یهودی نیز در این امر بی‌تأثیر نبوده باشد. بنابر لازارفاری، در آغاز پادشاهی پیروز، برادر رضایی او ایزدگشنسپ نامی بود که وی او را بسیار گرامی می‌داشت. این ایزدگشنسپ، پسر اشکات از خاندان مهران بود (پورشریعتی، ۱۳۹۷: ۷۹ و ۸۰). بنابر گفته ابن اسفندیار وی و برادرش اشتاد، شخصی از بزرگان دیلم را کشتند و ناچار با خانواده خود گریختند و به نواحی آمل آمدند و ده یزدان‌آباد ورستاق اشتاد که معروف و معمور است را آن دو برادر بنیاد کردند. آن عهد را شاهنشاهی فیروز نام بود. فرمانفرمای جمله گیتی و دارالملک او بلخ بود، شبی از شب‌ها فیروز زیبایی را در خواب دیده و بر او شیفته شد و مهر فیروز را به طبرستان فرستاد به جستن دختر، عاقبت مهر فیروز معشوق را دختر آشتات می‌یابد. شاه با این شاهدخت مهرانی وصلت می‌کند. دختر از شاه درخواست می‌کند به نام او برایش شهرستانی بسازد و به خواست او فیروز شهر آمل در طبرستان را بنیان می‌نهد و همان سال هم آمل صاحب پسری می‌شود که آن را خسرو نام می‌گذارد و از شاه می‌خواهد که او را بدان شهر بفرستد، چرا که آب و هوای بلخ با او سازگار نیست (ابن اسفندیار، ۱۳۲۰: ۸۰-۹۰). اسپریت پدر وندویه و وستهم بوده است. دختر اسپریت به عقد هرمزد چهارم (۵۷۹-۵۹۰ م) درآمد و از همین وصلت، خسرو دوم زاده شده بود. بنابراین اسپریت پارتی و پهلوی، پدرزن هرمزد چهارم و پدر بزرگ مادری خسرو دوم بوده است و وندویه و وستهم دایی خسرو پرویز بوده‌اند (پورشریعتی، ۱۳۹۷: ۱۱۹ و ۱۲۰). سبئوس نقش بارز مادر خسرو پرویز و دایی‌های او وندوی و وستهم را در به سلطنت رسیدنش چنین وصف می‌کند: «مملکت ایران غرق در آشفتگی ناشی از شورش و هرام و سپاهیانش بود. خبرهای این بلوا به دربار ساسانی رسید و هرمز شاهنشاه بر آن وقوف یافت، بزرگان را فراخواند و به ایشان گفت که بر آن شده تا گنج‌های سلطنتی و خدم و حشم دربار را با خود بردارد و از راه پل شناور وه کوات به آن سوی دجله برود و بندهای پل را پاره کند و به سپاه پادشاه عرب‌ها پناهنده شود. اما کسی با تدبیر او همدانستان نشد، رایزنان پادشاه وی اران و

نگهبانانش به اتفاق برآن شدند تا هرمز را به قتل آورند و پسرش خسرو را بر تخت نشانند. اینک ملکه، مادر ولیعهد که دختر اسپاراپت متوفاو از زمره خاندان‌های نامدارپارت بود و نیز خواهر وندوی و وستام، اینان جملگی وندوی را از حبس درآوردند دیری نپایید که وستام هم به آن‌ها رسید. همه پدیدایان، سپهسالاران و سپاهیان حاضر در آن روز در دربار انجمن کردند، وارد سراپرده شاه شده هرمز را گرفتند و در حال چشم‌هایش را از حدقه درآوردند و وی را به قتل رساندند. سپس فرزند او را به پادشاهی برداشتند» (سبئوس، ۱۳۹۶: ۸۵).

۳.۳. شاهان محلی

نضیره یا مالکه از زنان دربار ساسانی است که نسب او به شاهان محلی می‌رسد. آنگاه که شاپور به خراسان رفته بود، ضیزن در ناحیه سواد فسادها انگیزخته بود. شاپور چون از کار خراسان بپرداخت، لشکر بر سرا و کشید و بر در دژا فرود آمد و آنجا را چهار سال محاصره کرد. سپس دختر ساطرون که نضیره نام داشت از رض شهر بیرون شد و او زیباترین زنان بود و شاپور هم مردی زیبا روی بود. زن، خود را بر او نمود و هر دو شیفته یکدیگر شدند. دختر راه‌های پنهانی دژ را به او نمود و شاپور از آن راه به دژ داخل شد و آنجا را تصرف کرد و ضیزن را کشت و از قضاعه هرکه با او بود به قتل آورد، دژالحصار ویران شد. سپس در عین‌التمر با نضیره عروسی کرد (ابن خلدون، ۱۳۸۳: ۱۸۹ و ۱۹۰). در شاهنامه فردوسی اما روایت شده است که هنگامی که شاپور دوم کودک بود، طایر غسانی به ایران تاخت و نوحه دختر نرسی را ربود و از این زن صاحب دختری شد که نام او را مالکه نهاد. وقتی شاپور به سنین جوانی رسید به دنبال طایر رفت و او در دژی پناه گرفت مابقی داستان کمابیش شبیه داستان نضیره است اما در اینجا پادشاه شاپور دوم است و علت حمله او عمل تاخت و تاز او به ایران و ربودن نوحه عمه شاپور بیان شده است و فردوسی لقب ذوالاکتاف شاپور دوم را نیز به این داستان نسبت می‌دهد (فردوسی، ۱۳۸۹: ۹۰۳-۹۰۸). در کتیبه شاپور بر کعبه زردشت از «شاهزاده نرسی» یاد شده است. وهنینگ او را پدر همین نوشته می‌داند (شهبازی، ۱۳۸۹: ۳۱۹). حادثه فرعی برگ مورد که به دنبال آن شاهزاده خانم به دست مرگ سپرده می‌شود و با همه جزئیات در بیشتر منابع روایت شده به اعتقاد کریستین سن در خدای‌نامه پهلوی وجود نداشته است و احتمالاً بن مایه آن از روایتی عامیانه گرفته شده است و کریستین سن توانسته با این مایه در فرهنگ عامه ملل مختلف به موارد مشابه دست پیدا کند (کریستن سن، ۱۳۸۶: ۳۰۳ و ۳۰۴).

جدول ۳- نتایج بررسی روایات مربوط به نضیره/ملکه

۳.۴

ردیف	نام نویسنده	نام منبع	قرن تالیف	نام شاه ایران	نام دختر شاه عرب	نام سردسته دشمنان	شاهزاده ربوده شده	صفحه
۱	طبری	تاریخ طبری	۳	شاپور اول	نضیره	شاه بابل یابین النهرین		۱۴۸
۲	ابن قتیبه دینوری	عیون الاخبار ج ۴	۳	اردشیر اول		شاه بابل یابین النهرین		۱۱۶
۳	دینوری	اخبار الطوال	۳	شاپور دوم	ملیکه	شاه شهری نزدیک رقه	دختنوس عمه شاپور	۷۵
۴	بلعمی	ترجمه تاریخ طبری	۴ و ۳	شاپور اول	نضیره	شاه حضر		۹۳ و ۹۲
۵	مسعودی	مروج الذهب ج ۱	۴	شاپور اول	نضیره	شاه موصل		۶۰۷ ۶۰۸
۶	ابن مسکویه	تجارب الامم ج ۱	۴	شاپور اول	نضیره	ضیزن شاه حضر		۱۲۹- ۱۳۱
۷	فردوسی	شاهنامه	۵ و ۴	شاپور دوم	مالکه	طایر	نوشه عمه شاپور	۹۰۳- ۹۰۷
۸	ثعالبی	تاریخ ثعالبی	۵ و ۴	شاپور اول	نضیره	شاه حضر		۲۱۰ و ۲۱۱
۹	ابن بلخی	فارسانامه	۶ و ۵	شاپور اول	نضیره	شاه شهری در کوههای نزدیک تکریت		۶۲ و ۶۱
۱۰		مجمل التواریخ والقصص	۶	شاپور اول		شاه عرب ساکن در صحرای روم		۵۲
۱۱	یاقوت حموی	معجم البلدان ج ۲	۷ و ۶	شاپور اول	نضیره	شاه حضر	ماه خواهر شاپور اول	۱۹۳
۱۲	ابن اثیر	تاریخ کامل ج ۲	۷ و ۶	شاپور اول	نضیره	شاه حضر ضیزن		۴۵۰ و ۴۵۱
۱۳	ابن خلدون	العبر	۷	شاپور اول	نضیره	ضیزن		۱ و ۱۸۹ ۹۰
۱۴	حمدالله مستوفی	تاریخ گزیده	۸ و ۷	شاپور دوم	ملکه (دختر شاهزاده خانم ربوده شده)	طایر غسانی	نوشه خواهر اورمزد	۱۰۷
۱۵	داود بناکت ی	تاریخ بناکتی	۸	شاپور دوم	ملکه	طاهر از غسانیان		۵۴
۱۶	خواندمیر	حبیب السیر	۱۰ و ۹	شاپور اول	نضیره			۲۲۶

ازدواج با محارم (خویدوده)

یکی دیگر از انواع ازدواج در میان خاندان ساسانی، ازدواج با محارم محارم است که به آن خویدوده می‌گفتند. اگر به مندرجات «اعمال شهدا» بتوان اعتماد کرد، یزدگرد در آغاز نسبت به عیسویان مهربان بود، لکن در سال هشتم سلطنت، پس از آن که دختر خود را که به زنی گرفته بود، کشت و چند تن از نجبا را به قتل رسانید، در رفتار او نسبت به عیسویان تغییری حاصل شد (کریستن سن، ۱۳۸۵: ۲۰۵). شهبازی این امر را اتهام صرف می‌داند و معتقد است یزدگرد که در ۱۶-۱۷ سالگی به پادشاهی رسیده بوده نمی‌توانسته در ۲۵ سالگی دختری را که پیش از آن تاریخ با او ازدواج کرده بود به قتل برساند (شهبازی، ۱۳۸۹: ۴۶۰). نولدکه نیز معتقد است این ازدواج اگرچه ممکن است، بعید می‌نماید که چنین اخباری از درون قصر به بیرون راه یافته باشد ولی به هر حال از این اخبار به طرز داوری مردم درباره یزدگرد می‌توان پی برد (نولدکه، ۱۳۵۸: ۲۲۲).

شیران، خواهر و همسر شاپور دوم بود که بارسبا (برشبا) که جزو گروهی از مسیحیان بود که شاپور اول از سوریه به غرب ایران تبعید کرده بود او را به دین مسیحیت درآورد و به دنبال آن بار سبابه مرو تبعید شد و نخستین اسقف آنجا گشت (سیمز ویلیامز، ۱۳۹۲: ۳۲۴). بلعمی زنی را که قباد را که به خاطر حمایت از مزدک به زندان افتاده بود از زندان نجات می‌دهد خواهر همسر وی معرفی می‌کند (بلعمی، ۱۳۳۷: ۱۴۴ و ۱۴۵). از طرف دیگر بعد از اضمحلال خاندان گشنسپ داد، که از آخر عهد اشکانیان بر ولایت پدشوارگر (طبرستان) تسلط داشتند، قباد حکمرانی این ولایت را به کاووس داد. بنابر گفته ثوفانس این کاووس، پسر قباد است که از مزاجت این پادشاه با دختر خود موسوم به سامبی که به وجود آمده بود. مارکوارت ضعف این روایت را ثابت کرده چنین گوید: «چون خسرو سومین فرزند کواد، بنابر روایات مورخان عرب و ایرانی در زمانی به وجود آمد که کواد در حال فرار بود و هنوز به درگاه خاقان هفتالیان نرسیده بود، کاووس ممکن نیست از بطن خواهرزاده کواد، دختر خاقان باشد. پس باید تولد کاووس را قبل از فرار کواد دانست و به ظاهر از بطن زنی بوده است که در گریزاندن کواد از زندان بذل جهد نمود و هم خواهر و هم عیال کواد بود» (کریستن سن، ۱۳۸۵: ۲۵۵).

چهار مدال یا مهر وجود دارد که تصویر ملکه‌ها به همراه نامشان بر آن نقر شده است. یکی از آنها مهر ملکه دینگ است (دیمز، ۱۳۸۸: ۹۶ و ۹۷). دینگ خواهر اردشیر در کتیبه اردشیر یکم با عنوان «شهبانوی شهبانوان» آمده است؛ این لقب را به عنوان نوعی رابطه زناشویی میان شاه و دینگ تلقی کرده‌اند و نقش مهر با عنوان دینگ شهبانوی شهبانوها را برخی مانند بیوار، هارپرولوکونین به این ملکه ساسانی نسبت داده‌اند. مهر در موزه آرمیتاژ سن پترزبورگ قرار دارد و در کتیبه‌ای پهلوی «دینگ، ملکه ملکه‌ها» را معرفی می‌کند. این مهر از آن شخصی بوده است که «سالارخواجهگان مشکوی» خوانده شده است. اول بار مردتمان به این مهر اشاره کرد و نقش آن را از مادر پیروز دانست و هرتسفلد این عقیده را پذیرفت. به عقیده شهبازی مهر متعلق به دینگ همسر یزدگرد دوم است (شهبازی، ۱۳۸۹: ۴۶۶). همچنین تصویر ملکه‌های ساسانی را می‌توان بر روی ظروف بجا مانده از این دوره یافت مانند جام سیمینی که تصویر اردشیر

ساسانی و ملکه‌اش را دارد و یا ظرف نقره یافت شده از سرگ وشی گرجستان که بر آن نقش بهرام دوم و همسرش حک شده است. تصویر شماره ۲، نقش تصویر همسر بهرام در سکه را به نمایش گذاشته است.



تصویر شماره ۲: بهرام دوم ساسانی به همراه ملکه و ولیعهد. موزه لوور پاریس.

با این حال، اطلاعاتی که این منابع مصور به ما می‌دهند برای پی بردن وضعیت خانوادگی و اصل و نسب این ملکه‌ها اغلب کافی نیست. تنها از این میان می‌توان به ازدواج بین ملکه دینک و اردشیر ساسانی اشاره کرد و آن را به ازدواج‌های خویدوه افزود (نصراله زاده، ۱۳۸۵: ۶۴ و ۶۷).



تصویر ۳: نقش شاپور دختک، زن بهرام دوم بر روی سکه‌های بهرام دوم. موزه لوور پاریس (آورزمانی: ۱۳۹۳).

جدول ۴- جدول داده‌های پژوهش

نام بانوان درباری				نسب	ردیف
				رامبهشت بازرنگی	۱
مادر خسرو دوم	دختر اشکانات همسر پیروز	ایفراهرمز	مادر هرمز داوول	مادر شاپور	۲
				نضیره شاهان محلی	۳
دینک خواهر-همسر اردشیر	سامبیکه/زنبق دختر- همسر قباد	خواهر قباد	شیران خواهر- همسر شاپور دوم	دختر- همسر یزدگرد دوم	۴

نتیجه‌گیری

با روی کار آمدن هر سلسله‌ای، پیوند سران این سلسله با زنانی از سلسله قبل، امری است که قبلاً هم شاهد تکرار آن در تاریخ بوده‌ایم؛ چنانچه در سلطنت داریوش اول شاهد ازدواج او با دختران کوروش بزرگ (همسران کمبوجیه) و دختر بردیا هستیم. همچنین ازدواج اسکندر با دختر داریوش سوم و دختر اشراف‌زاده‌ای از سغد یا ازدواج سلوکوس اول با اپامه. این ازدواج‌ها، هم مشروعیت سلسله جدید را بیشتر می‌کرد و هم به جهت پیوندی که با سلسله قبل ایجاد می‌کرد، مدعیان احتمالی سلطنت را بر جای می‌نشانند. با بررسی منابع مکتوب و مصور تاریخ ساسانی آشکار می‌گردد که سلسله ساسانی نیز از این قاعده برای مشروعیت‌بخشی و استحکام سلسله خود بهره برده است. چنانچه از نخستین گام‌های تشکیل این سلسله ازدواج ساسان با رام بهشت، دختری از سلسله شاهان محلی پارس، بازرنگیان بوده است و تداوم این امر را در ازدواج دیگر سران این سلسله چون اردشیر با دختر اردوان و پیوند با خاندان اشکانی و شاپور اول با دختر مهرک‌شاه از شاهان محلی و بازماندگان اشکانی شاهد هستیم. بدین ترتیب با برقراری پیوند نسبی با سلسله قبل و شاهان محلی علاوه بر مشروعیت بخشیدن به سلطنت خود، راه را بر مدعیان سلطنت می‌بستند. البته می‌توان در صحت این ازدواج‌ها شک کرد و این مشروعیت‌بخشی‌ها را مربوط به زمان نوشتن خداینامه دانست و یا این امر را نشان‌دهنده قدرت ادامه‌دار خاندان‌های اشکانی در دوره ساسانی شمرد. در

جامعه ساسانی که نژادگی مشخصه پادشاهان ساسانی بود و دیگر خاندان‌ها از رسیدن به قدرت محروم بودند و نسب و پیوند خونی نقش مهمی در ایدئولوژی اهتمام به پاکی خون و نژاد نزد ساسانیان داشت؛ زنان خاندان‌های بزرگ از جمله اشکانیان در سراسر حکومت ساسانی به عنوان بانوی بانوان دربار و چه بسا مادر جانشین نقش مهمی در سیاست‌های دربار داشته‌اند. از طرف دیگر به شواهدی از ازدواج خویدوده در منابع مکتوب بر می‌خوریم که می‌توان آن‌ها را در کنار شواهد به دست آمده از آثار تاریخی مانند کعبه زرتشت و نمونه‌هایی مانند ازدواج اردشیر و خواهرش دینک و ازدواج شاپور اول و دخترش آذرناهد بررسی نمود. بنابراین به نظر می‌رسد دو مسئله اساسی کسب مشروعیت و حفاظت از قدرت سیاسی در خاندان شاهی علت اصلی رواج این ازدواج‌ها در میان خاندان ساسانی بوده است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع:

کتاب‌ها:

- آورزمانی، فریدون. (۱۳۹۳). هنر ساسانی. تهران: انتشارات پازینه.
- ابن اثیر، علی بن محمد. (۱۳۸۳). تاریخ کامل. ترجمه سیدحسن روحانی، ج ۱، چ ۳، تهران: اساطیر.
- ابن اثیر، علی ابن محمد. (۱۳۸۴). تاریخ کامل. ترجمه سیدحسین روحانی، ج ۲، چ ۳، تهران: اساطیر.
- ابن اسفندیار، بهاءالدین محمد بن حسن. (۱۳۲۰). تاریخ طبرستان. تصحیح اقبال آشتیانی، ج ۱، تهران: کلاله خاور.
- ابن بلخی. (۱۳۸۵). فارسنامه. تهران: اساطیر.
- ابن خلدون. (۱۳۸۳). العبر: تاریخ ابن خلدون، عبدالرحمان بن محمد، ترجمه عبدالمحمدآیتی، چ ۳، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ابن قتیبه دینوری، ابومحمدعبدالله. (۱۴۱۸ ه ق). عیون الاخبار. ج ۴، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- اصفهانی، حمزه بن حسن. (۱۳۴۶). تاریخ پیامبران و شاهان (سنی الملوک الارض والانبیا). ترجمه جعفر شعار، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- بلعمی، ابوعلی محمدبن محمد. (۱۳۵۳). تاریخ بلعمی. تصحیح محمدتقی بهار، ج ۲، چ ۲، تهران: تابش.
- بلعمی، ابوعلی محمد. (۱۳۳۷). ترجمه تاریخ طبری، ترجمه محمدجوادمشکور، تهران: کتابفروشی خیام.
- بناکتی، محمدبن داود. (۱۳۴۸). تاریخ بناکتی. به کوشش جعفرشعار، تهران: انجمن آثار ملی.
- بروسیوس، ماریا. (۱۳۹۲). ایران باستان (چاپ دوم). ترجمه عیسی عبدی، تهران: ماهی.
- پورشریعتی، پروانه. (۱۳۹۷). زوال و فروپاشی ساسانیان. ترجمه خشایار بهاری، تهران: فروزان روز.
- تسنر. (۱۳۵۴). نامه تنسربه گشنسپ. تحقیق گردآورنده تعلیقات: مجتبی مینوی، محمداسماعیل رضوانی، تهران: خوارزمی.
- ثعالبی نیشابوری، عبدالملک. (۱۳۶۸). تاریخ ثعالبی غررالخبارملوک الفرس وسیرهم. ترجمه محمدفضالی، تهران: نقره.
- حسنی، میرزا محمد. (۱۳۹۳). نقش برجسته‌های نویافته ساسانی (۲۰۰۴-۱۹۵۰ م). تهران: ققنوس.
- خواندمیر. محمد. (۱۳۸۰). تاریخ حبیب السیر، ج ۱، چ ۴، تهران: خیام.
- دیمز، اورلی. (۱۳۸۸). تندیس گری و شمایل نگاری در ایران پیش از اسلام، ترجمه علی اکبروحدتی، تهران: ماهی.
- دینوری، ابوحنیفه احمدبن داود. (۱۳۹۵). اخبارالطوال. ترجمه محمود مهدوی دامغانی، چ ۱۰، تهران: نی.
- دریایی، تورج. (۱۳۹۲). «اردشیرچه زمانی بر استخر حکومت می کرد؟». ناگفته‌های امپراتوری ساسانی، ترجمه آهنگ حقانی و محمود فاضلی بیرجندی، چ ۲، تهران: کتاب پارسه.

- سیمزویلیامز، نیکولاس. (۱۳۹۲). «ساسانیان در شرق». ساسانیان، ویراسته وستا سرخوش کرتیس و سارا استوارت، ترجمه کاظم فیروزمند، تهران: نشر مرکز.
- سبئوس. (۱۳۹۶). تاریخ سبئوس. ترجمه محمود فاضلی بیرجندی، تهران: ققنوس.
- شهبازی، علیرضا شاپور. (۱۳۸۹). تاریخ ساسانیان. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- طبری، محمد بن جریر. (۱۳۵۲). تاریخ طبری «تاریخ الرسل والملوک». ترجمه ابوالقاسم پاینده ج ۲، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- طلایی، حسن. (۱۳۹۳). مهر در ایران از آغاز تا صدر اسلام. تهران: سمت.
- عریان، سعید. (۱۳۸۲). راهنمای کتیبه‌های ایرانی میانه (پهلوی- پارتی). تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۸۹). شاهنامه. تحقیق به کوشش سعید حمیدیان، چ ۱۷، تهران: قطره.
- فره وشی، بهرام. (۱۳۸۶). کارنامه اردشیر بابکان. تهران: دانشگاه تهران.
- کریستن سن، آرتورامانوئل. (۱۳۸۵). ایران در زمان ساسانیان. ترجمه رشیدیاسمی، چ ۵، تهران: صدای معاصر.
- کریستن سن، آرتورامانوئل (۱۳۸۶)، ترجمه ژاله آموزگار، «شاهزاده خانم و برگ مورد و شاهزاده خانم و نخود»، زبان فرهنگ اسطوره، تهران: معین.
- لوکونین، ولادیمیر گریگوریویچ. (۱۳۹۳)، تمدن ایران ساسانی، ترجمه عنایت الله رضا، چ ۵، تهران: علمی و فرهنگی.
- مجموعه التواریخ و القصص. (۱۳۱۸). تصحیح ملک الشعراء بهار. به همت محمدرضائی، تهران: خاور.
- مستوفی، حمدالله بن ابی بکر. (۱۳۶۲). تاریخ گزیده. تحقیق عبدالحسین نوائی، چ ۲، تهران: امیرکبیر.
- مسعودی. علی. (۱۳۷۴). مروج الذهب، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ج ۱، چ ۵، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- مسکویه رازی، ابوعلی. (۱۳۶۹). تجارب الامم. ترجمه ابوالقاسم امامی، ج ۱، تهران: سروش.
- مشکور، محمدجواد. (۱۳۲۹). کارنامه اردشیر بابکان. تهران: دانش.
- میرسعیدی، نادر. (۱۳۷۹). «افسانه‌های تاریخی در تاریخ ساسانیان». دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران.
- نصراله‌زاده، سیروس. (۱۳۸۴). نام‌تبارشناسی ساسانیان از آغاز تا هرمز دوم، تهران: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری پژوهشکده زبان و گویش.
- نولدکه، تئودور. (۱۳۵۸). تاریخ ایرانیان و عربها در زمان ساسانیان. ترجمه عباس زریاب خویی، تهران: انجمن آثار ملی.
- هاشمی نژاد، قاسم. (۱۳۸۵). کارنامه اردشیر بابکان. چ ۳، تهران: نشر مرکز.
- هدایت، صادق. (۲۵۳۷). زند و هومن یسن و کارنامه اردشیر پاپگان، تهران: انتشارات جاویدان.
- هرتسفلد، ارنست. (۱۳۸۱). ایران در شرق باستان. ترجمه همایون صنعتی‌زاده، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

هنینگ، و.ب. (۱۳۸۴). «یادداشت‌هایی درباره سنگ نوشته بزرگ شاپوریکم». ایران شناخت یادنامه استاد ا. و. ویلیامز جکسن، گزارش جلیل دوستخواه، تهران: نشر آگه.

یاقوت حموی، شهاب‌الدین ابوعبدالله. (۱۳۸۳). معجم البلدان. ترجمه علینقی وزیری، تهران: میراث فرهنگی.

ویسهوفر، یوزف. (۱۳۹۰). ایران باستان (از ۵۵۰ پ.م تا ۶۵۰ پس از میلاد) (چاپ یازدهم). ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران: ققنوس.

مقالات:

آذرنوش، مسعود. (۱۳۷۴). «نگاهی دیگر به شاهپور دوم، اردشیر دوم و شاهپور سوم پیشنهادی برای بازنویسی بخشی از تاریخ ساسانیان»، باستان شناسی و تاریخ، ش ۱، ۳۷-۴۵.

جمالی، بهرخ و همکاران، (۱۳۹۸). «جایگاه اجتماعی زنان در دوره ساسانی (به استناد مهرها و اثر مهرها)»، هنر اسلامی، شماره ۳۹، صص ۱۵۸-۱۴۱.

نتصر، اسنون. (۱۳۵۱). «شاهان ساسانی در تلمود شاپور اول، شاپور دوم و یزدگرد اول». دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، ش ۸، ۹-۲۴.

